

اهالی شعر و ادب هر ساله شاهد برگزاری شب شعری با حضور آیت‌الله خامنه‌ای بودند؛ با توجه به اینکه در دوره‌های مختلفی فرصت شرکت در این محفل ادبی را داشتید، از شعرخوانی در محضر رهبر شهید و مواجهه ایشان با شاعران، به خصوص جوان‌ترها بگویند.

برپایی شب‌های شعر و شعرخوانی در محضر آیت‌الله خامنه‌ای، فرصت بی‌مانندی بود که نه فقط نصیب اهالی شعر، بلکه قسمت فرهنگ و ادب ایران شد. اتفاق بسیار مهمی است که شخصی در چنان جایگاهی، تا این اندازه شیفته شعر و ادبیات باشد. این علاقه‌مندی فقط مطوف به کتاب و ادبیات نبود، درباره بخش‌های مختلف هنر نیز نقطه‌نظراتی قابل تأمل داشتند که خب این موضوع از تخصص من خارج است. ایشان در مقایسه با دیگر رهبران جهان از نظر فرهنگی از ویژگی‌های منحصربه‌فردی برخوردار بودند؛ تسلطی توامان بر ادبیات کهن و معاصر داشتند و ادبیات جهان را نیز به خوبی می‌شناختند. فارغ از مقایسه سایر رهبران جهان و چهره‌های مطرح سیاسی، این میزان احاطه داشتن حتی در میان اساتید ادبیات نیز ویژگی منحصر به‌فردی محسوب می‌شود. اغلب اساتید ادبیات، با بر تحقیقات و علاقه‌مندی شخصی، با ادبیات یکی از این دو برهه زمانی آشنا هستند. اما رهبر شهید، همان‌طور که شعر شاعران قدیم را می‌خواندند و می‌شناختند،

آثاری در قالب‌های مختلف شعری ادبیات معاصر را هم می‌شناختند و به انکاح حافظه شخصی و بنا بر ضرورت جلسه، ابیاتی از اشعار دوره‌های مختلف را می‌خواندند. البته سلیقه شعری خودشان به شعر کلاسیک نزدیک‌تر بود و با ادبیات کهن آنی بیشتری داشتند، ولی قالب‌های جدید را نیز به‌خوبی می‌شناختند. اینها را گفتم که بدانید در رابطه با آیت‌الله خامنه‌ای، ما با یک عالم سیاسی و دینی ادیب مواجه بودیم که بخشی از جوانی‌شان با حضور مستعمر در جلسات و محافل ادبی مشهد سیری شده بود و نه فقط با شاعران مشهد و خراسان، با شاعران یک کشور ترق‌وآمد داشتند. بنا بر نشست و برخاست در همین جلسات شعری، از اهمیت برپایی و کارکردهای محافل ادبی باخبر بودند می‌شدند و همواره درباره ابزارهای رشد و ارتقای شعر صحبت می‌کردند که در سالته بانی برگزاری محافل شعر و ادبیات، ارتباط ایشان با شعر و اهالی اهمیت برپایی شب شعرها و محافل ادبی بود. این ضرورت‌ها را کسی درک می‌کند که تجربه‌شان کرده و بخشی از جوانی‌اش در محافل ادبی سیری شده باشد. ارتباط ایشان با شعر و اهالی ادبیات، هم در دوران ریاست‌جمهوری و هم بعدتر که عهده‌دار رهبری کشور شدند هیچ‌گاه قطع نشد. قرار بود در ماه رمضانی که گذشت نیز جلسه دیدار شاعران با رهبری برگزار شود اما شهادت ایشان، مجال پورتمندی از آن محفل و نقطه‌نظرات‌شان درباره شعر و ادبیات را از ما گرفت. شاید جوان‌ترین ندانند اما این جلسات شعری، قبل از آغاز رهبری‌شان نیز برگزار می‌شد، دیداری که به‌تدریج رسانه‌ای شده و از یک محفل ادبی خودمانی، به جلسه‌ای رسمی در اواسط ماه رمضان تبدیل شد.

از چه زمانی توفیق حضور در جلسات شعری را که با حضور آیت‌الله خامنه‌ای برگزار می‌شد، پیدا کردید؟

نخستین تجربه‌ام به سال‌ها قبل بازمی‌گردد. به زمان ریاست‌جمهوری‌شان. اگر اشتباه نکنم سال ۱۳۶۷ بود. ایشان عهده‌دار مسئولیت ریاست‌جمهوری بودند که در سفری ساده و نوروزی به مشهد آمدند. در آن سفر، شرایط دیدار ما شاعران مشهدی با ایشان فراهم شد؛ جلسه در یکی از سالن‌های حرم مطهر امام رضا(ع) و با حضور تویت وقت آستان قدس رضوی، آیت‌الله واعظ طیبی برگزار شد. بانی آن جلسه و هماهنگ‌کننده‌اش نیز سید عبدالله حسینی بود. کنیز ولایتی هم شرکت داشتند که ایشان هم اهل ادبیات هستند. من آن موقع جوانی ۲۱ ساله بودم و برای اولین مرتبه شعر در حضور آیت‌الله خامنه‌ای و هیأت همراه‌شان خواندم.

چه چیزی در آن اولین مواجهه و دیدار، بیش از همه توجه‌تان را به خود جلب کرد؟ جلسه‌ای برای شرکت در آن استرس زیادی داشتم، خودمانی‌تر از چیزی برپا شد که بتوان فکرش را کرد. آیت‌الله خامنه‌ای بسیار دوستانه به اشعارمان گوش می‌سپردند و هر شعر را جداگانه نقد می‌کردند. نقطه‌نظرات دقیق و حرفه‌ای ایشان درباره هر شعر، من را

به شگفتی واداشت. آن دیدار فقط یک شب شعرعادی نبود، جلسه‌ای تخصصی برای نقد هم بود. این نقد و اظهارنظرهای ادبی تنها به آن جلسه محدود نشد و در تمام این سال‌ها ادامه یافت. غالب آنچه من و دیگر شاعران طی دهه‌های گذشته در این رابطه مشاهده کردیم، اظهارنظرهای فنی رهبر شهید در مواجهه با سروده‌های شاعران بود. از کلی‌گویی‌های مرسوم پرهیز و توصیه‌هایی برای بهبود اشعار حاضران بیان می‌کردند؛ اینکه اگر شعراز نظر وزن، فلان ویژگی را داشت بهتر می‌شد و… نقطه‌نظرات ایشان فراتر از مباحث عمومی شعر بود، آیت‌الله خامنه‌ای در موضوعاتی چون عروض و قافیه نیز یک متخصص تمام‌عیار بودند. این مسأله‌ای است که از همان اولین دیدار، توجه من و دیگر شاعران را به خود جلب کرد. در کنار احاطه مثال‌زدنی‌شان به فنون و اصول شعری، شناخت و حافظه‌شان تنها به شاعران مشهور محدود نمی‌شد. بنا بر مباحثی که مطرح می‌شد، گاهی از شاعرانی شعری خواندند یا اشاره به کار شاعری می‌کردند که همه‌مان در متعجب می‌کرد. ما در افغانستان شاعری به نام غلام‌احمد نوید داریم که در ایران تقریباً نام و نشانی از او نیست، حتی در خود افغانستان هم چهره چندان مشهوری نیست و عجیب است که بگویم در یکی از جلسات، آیت‌الله خامنه‌ای بیت «ز بس نازک مزاجم، ناز گردون برنمی‌دارم/ من آن شاخم که نکتب بار سنگینی است بر دوشم» را در سروده‌های مرحوم نوید را خواندند. راستش حتی خود من نیز دیوان این شاعر را ندارم و نسخه مکتوب آثارش را پیدا نکردام. هنوز هم متعجب هستم که ایشان، نوید را چگونه می‌شناختند! این میزان شناخت و عجب است!

گروه گوگو

به شگفتی واداشت. آن دیدار فقط یک شب شعرعادی نبود، جلسه‌ای تخصصی برای نقد هم بود. این نقد و اظهارنظرهای ادبی تنها به آن جلسه محدود نشد و در تمام این سال‌ها ادامه یافت. غالب آنچه من و دیگر شاعران طی دهه‌های گذشته در این رابطه مشاهده کردیم، اظهارنظرهای فنی رهبر شهید در مواجهه با سروده‌های شاعران بود. از کلی‌گویی‌های مرسوم پرهیز و توصیه‌هایی برای بهبود اشعار حاضران بیان می‌کردند؛ اینکه اگر شعراز نظر وزن، فلان ویژگی را داشت بهتر می‌شد و… نقطه‌نظرات ایشان فراتر از مباحث عمومی شعر بود، آیت‌الله خامنه‌ای در موضوعاتی چون عروض و قافیه نیز یک متخصص تمام‌عیار بودند. این مسأله‌ای است که از همان اولین دیدار، توجه من و دیگر شاعران را به خود جلب کرد. در کنار احاطه مثال‌زدنی‌شان به فنون و اصول شعری، شناخت و حافظه‌شان تنها به شاعران مشهور محدود نمی‌شد. بنا بر مباحثی که مطرح می‌شد، گاهی از شاعرانی شعری خواندند یا اشاره به کار شاعری می‌کردند که همه‌مان در متعجب می‌کرد. ما در افغانستان شاعری به نام غلام‌احمد نوید داریم که در ایران تقریباً نام و نشانی از او نیست، حتی در خود افغانستان هم چهره چندان مشهوری نیست و عجیب است که بگویم در یکی از جلسات، آیت‌الله خامنه‌ای بیت «ز بس نازک مزاجم، ناز گردون برنمی‌دارم/ من آن شاخم که نکتب بار سنگینی است بر دوشم» را در سروده‌های مرحوم نوید را خواندند. راستش حتی خود من نیز دیوان این شاعر را ندارم و نسخه مکتوب آثارش را پیدا نکردام. هنوز هم متعجب هستم که ایشان، نوید را چگونه می‌شناختند! این میزان شناخت و عجب است!

از مواجهه دوستان شاعرو نویسنده‌تان که ساکن افغانستان هستند، با مواردی نظیر آشنایی قابل تأمل رهبر شهید با شاعران جغرافیای زبان فارسی، از جمله مرحوم نوید بگویند.

اغلب دوستان شاعر و نویسنده افغانستانی که با آنان مرزاده دارم، حسرت می‌خورند که ای کاش ما نیز در افغانستان از وجود چنین رهبر ادیب و کتابخوان بهره‌مند بودیم.

متعجب می‌شدند که رهبر ایران، نه فقط کتاب‌های ایرانی و مطرح جهان را خوانده‌اند، بلکه ادبای افغانستانی در حوزه‌های مختلف شعر و ادبیات داستانی را نیز می‌شناسند. با آنکه افغانستان نیز یکی از پایگاه‌های جغرافیای زبان فارسی به شمار می‌آید، اما اغلب دولتمردان ما، نه‌تنها اهل ادبیات نبودند، بلکه در مواردی با آن سرسرتیز هم داشتند. ما این فارسی‌ستیزی را بارها در افغانستان دیده‌ایم، به همین دلیل برخی ادبی زادگاهم با تعابیر ستایش‌آمیزی از آیت‌الله خامنه‌ای یاد می‌کنند. در خاطرم هست نجیب باور (شاعر و پژوهشگر افغانستانی) در یکی از جلسات شعرخوانی در محضر رهبر شهید حضور داشت، نوبت که به او رسید، آیت‌الله خامنه‌ای را به‌عنوان رهبر فارسی‌زبانان جهان خطاب قرار داد. این اتفاق مهمی است. او حتی نگفت رهبر دینی مسلمانان! تاگیدش بر این بود که ایشان رهبر همان‌گونه که این شاعر افغانستانی سرزمن‌های مستقلی هستند، منتهی همان‌گونه که این شاعر افغانستانی گفت، جایگاه ادبی آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان را در حوزه زبانی، در صدر قلمرو این کشورها قرار داده بود؛ مسأله‌ای که با کتابخوان بودن حرفه‌ای ایشان، شناخت خوب و دغدغه‌مندی‌شان بازی گشت.

در جلساتی که با حضور ایشان برگزار می‌شد، نقید محتوایی خاصی برای شاعران مطرح بود؟ هرگز! در هیچ‌کدام از جلسات شعری که با حضور رهبر شهید برگزار می‌شد، خواندن محتوایی خاص از اشعار به شاعران تحمیل نمی‌شد. حتی مواجهه ایشان هم به گونه‌ای نبود که از مضامین خاصی، مثلاً اشعار مذهبی استقبال کنند. بارها پیش آمده بود برخی شاعران در جلسه تأکید می‌کردند هم شعر دینی و هم عاشقانه آماده خواندن دارند، ولی آیت‌الله خامنه‌ای شعر عاشقانه یا اجتماعی را انتخاب می‌کردند. مواجهه‌شان با اشعار انتقادی نیز همراه با استقبال و نگاهی باز بود. خود من چند مرتبه، در جلسات شعرخوانی در محضر رهبر شهید حضور داشتم، نوبت که به او رسید، آیت‌الله خامنه‌ای را به‌عنوان رهبر فارسی‌زبانان جهان خطاب قرار داد. این اتفاق مهمی است. او حتی نگفت رهبر دینی مسلمانان! تاگیدش بر این بود که ایشان رهبر همان‌گونه که این شاعر افغانستانی سرزمن‌های مستقلی هستند، منتهی همان‌گونه که این شاعر افغانستانی گفت، جایگاه ادبی آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان را در حوزه زبانی، در صدر قلمرو این کشورها قرار داده بود؛ مسأله‌ای که با کتابخوان بودن حرفه‌ای ایشان، شناخت خوب و دغدغه‌مندی‌شان بازی گشت.

در جلساتی که با حضور ایشان برگزار می‌شد، نقید محتوایی خاصی برای شاعران مطرح بود؟ هرگز! در هیچ‌کدام از جلسات شعری که با حضور رهبر شهید برگزار می‌شد، خواندن محتوایی خاص از اشعار به شاعران تحمیل نمی‌شد. حتی مواجهه ایشان هم به گونه‌ای نبود که از مضامین خاصی، مثلاً اشعار مذهبی استقبال کنند. بارها پیش آمده بود برخی شاعران در جلسه تأکید می‌کردند هم شعر دینی و هم عاشقانه آماده خواندن دارند، ولی آیت‌الله خامنه‌ای شعر عاشقانه یا اجتماعی را انتخاب می‌کردند. مواجهه‌شان با اشعار انتقادی نیز همراه با استقبال و نگاهی باز بود. خود من چند مرتبه، در جلسات شعرخوانی در محضر رهبر شهید حضور داشتم، نوبت که به او رسید، آیت‌الله خامنه‌ای را به‌عنوان رهبر فارسی‌زبانان جهان خطاب قرار داد. این اتفاق مهمی است. او حتی نگفت رهبر دینی مسلمانان! تاگیدش بر این بود که ایشان رهبر همان‌گونه که این شاعر افغانستانی سرزمن‌های مستقلی هستند، منتهی همان‌گونه که این شاعر افغانستانی گفت، جایگاه ادبی آیت‌الله خامنه‌ای، ایشان را در حوزه زبانی، در صدر قلمرو این کشورها قرار داده بود؛ مسأله‌ای که با کتابخوان بودن حرفه‌ای ایشان، شناخت خوب و دغدغه‌مندی‌شان بازی گشت.

متعجب می‌شدند که رهبر ایران، نه فقط کتاب‌های ایرانی و مطرح جهان را خوانده‌اند، بلکه ادبای افغانستانی در حوزه‌های مختلف شعر و ادبیات داستانی را نیز می‌شناسند. با آنکه افغانستان نیز یکی از پایگاه‌های جغرافیای زبان فارسی به شمار می‌آید، اما اغلب دولتمردان ما، نه‌تنها اهل ادبیات نبودند، بلکه در مواردی با آن سرسرتیز هم داشتند. ما این فارسی‌ستیزی را بارها در افغانستان دیده‌ایم، به همین دلیل برخی ادبیات‌شناسان با تعابیر ستایش‌آمیزی از آیت‌الله خامنه‌ای یاد می‌کنند. در خاطرم هست نجیب باور (شاعر و پژوهشگر مهاجر افغانستانی و عضو ناپیوسته فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در گفت‌وگوی پیش‌رو از دغدغه‌ها و نسبت رهبر شهید با شعر، ادبیات داستانی و زبان فارسی می‌گویند. کاظمی که



# ادیب و حامی فرهنگ

## بررسی نسبت رهبر شهید با شعر و ادبیات داستانی در گفت‌وگو با محمد کاظم کاظمی

در دهه‌های گذشته در برخی جلسات دیدار شاعران با آیت‌الله خامنه‌ای حضور داشته، از تسلط ایشان بر شعر کلاسیک و معاصر فارسی، شناخت دقیق از فرهنگ و ادب به چهره‌ای اثرگذار در یک قلمرو زبانی بدل کند. انتقادی می‌گویند: رهبری کتابخوان که زبان فارسی را نه فقط ابزاری برای تحقق دیپلماسی فرهنگی، بلکه پلی برای انتقال معارف اسلامی و فرهنگ ایرانی می‌دانست.

را دیده‌ام که آرزوی شعرخوانی در محضر رهبر شهید و بهره‌مندی از آن جلسات را داشتند. متأسفانه شهادت ایشان داغ حضور در جلسات شعری را بر دل شاعران بسیاری گذاشت، ضروری که بر خلاف برخی شایعات و برعکس بعضی کنگره‌های ادبی و جشنواره‌ها، خیری از پاداش مالی در آن نبود، اما به لحاظ معنوی و حرفه‌ای رهاوردهای بسیاری داشت. چهره‌های جدید و مستعد بسیاری از میان همین جلسات به جامعه ادبی کشور معرفی شدند، آن هم در شرایطی ولی حیف! در مذهب اسلام همین آیت‌الله خامنه‌ای بود، هرگز آن را نمی‌خواند؛ شعری که بخشی از چند بیت آن را می‌گویم: «گل در برو می در کف و مشکوف به کام است/ من مانده‌ام اینجا که حلال است؟ حرام است؟! یا اینکه به فتوای دل اشکال ندارد/ گر ریار بسندید تو را کار تمام است/ در مذهب ما پاده حلال است ولی حیف! در مذهب اسلام همین باده حرام است! شد قافیه تکرار ولی مسأله‌ای نیست! چون شاعر این بیت طرفدار نظام است! خوب به خاطر دارم که رهبر شهیدمان بعد از آنکه آقای فیض این شعرا خواند، لبخند زدند و با خوشرویی نظر خود را اعلام کردند. این را گفتم تا جوان‌ترها بدانند اگر شاعران حاضر در این شب شعرهای سالانه، مضامین خاصی را انتخاب می‌کردند، انتخاب شخصی خودشان بوده است. اگر متوجه خودسانسوری شاعران در تغییر برخی بیت‌ها می‌شدند، تذکر می‌دادند که نیازی به این کار نیست. تنها مرتبه‌ای که آیت‌الله خامنه‌ای از شاعران خواستند که دیگر مضمون خاصی را نخوانند، موقعی بود که یکی از شاعران جوان، شعری با رنگ و بوی مدیحه‌سرایی برای رهبری خواند؛ شعری ملواز مدح و ستایش ایشان. شعر که تمام شد، حضرت آقای خطاب به حاضران خواهش کردند در این جلسات، دیگران این نوع شعرا نخوانند. همین توصیه را نیز بسیار دوستانه مطرح کردند، با این دلیل و برهان که اگر شعرهای اینچنینی را تحسین کنیم، دیگران گمان می‌کنند به دلیل مضمون ستایش‌آمیزشان بوده و اگر هم به آن انتقال کنم، سرایند شعر نرچیده می‌شود. تواسع ایشان شعر قدری بود که شاعران را از خوانش اشعار اینچنینی بر حذر می‌داشتند. جلسات بسیار دلگرم‌کننده بودند و طی این سال‌ها شاعران بسیاری علم تبدیل شود.

را دیده‌ام که آرزوی شعرخوانی در محضر رهبر شهید و بهره‌مندی از آن جلسات را داشتند. متأسفانه شهادت ایشان داغ حضور در جلسات شعری را بر دل شاعران بسیاری گذاشت، ضروری که بر خلاف برخی شایعات و برعکس بعضی کنگره‌های ادبی و جشنواره‌ها، خیری از پاداش مالی در آن نبود، اما به لحاظ معنوی و حرفه‌ای رهاوردهای بسیاری داشت. چهره‌های جدید و مستعد بسیاری از میان همین جلسات به جامعه ادبی کشور معرفی شدند، آن هم در شرایطی ولی حیف! در مذهب اسلام همین آیت‌الله خامنه‌ای بود، هرگز آن را نمی‌خواند؛ شعری که بخشی از چند بیت آن را می‌گویم: «گل در برو می در کف و مشکوف به کام است/ من مانده‌ام اینجا که حلال است؟ حرام است؟! یا اینکه به فتوای دل اشکال ندارد/ گر ریار بسندید تو را کار تمام است/ در مذهب ما پاده حلال است ولی حیف! در مذهب اسلام همین باده حرام است! شد قافیه تکرار ولی مسأله‌ای نیست! چون شاعر این بیت طرفدار نظام است! خوب به خاطر دارم که رهبر شهیدمان بعد از آنکه آقای فیض این شعرا خواند، لبخند زدند و با خوشرویی نظر خود را اعلام کردند. این را گفتم تا جوان‌ترها بدانند اگر شاعران حاضر در این شب شعرهای سالانه، مضامین خاصی را انتخاب می‌کردند، انتخاب شخصی خودشان بوده است. اگر متوجه خودسانسوری شاعران در تغییر برخی بیت‌ها می‌شدند، تذکر می‌دادند که نیازی به این کار نیست. تنها مرتبه‌ای که آیت‌الله خامنه‌ای از شاعران خواستند که دیگر مضمون خاصی را نخوانند، موقعی بود که یکی از شاعران جوان، شعری با رنگ و بوی مدیحه‌سرایی برای رهبری خواند؛ شعری ملواز مدح و ستایش ایشان. شعر که تمام شد، حضرت آقای خطاب به حاضران خواهش کردند در این جلسات، دیگران این نوع شعرا نخوانند. همین توصیه را نیز بسیار دوستانه مطرح کردند، با این دلیل و برهان که اگر شعرهای اینچنینی را تحسین کنیم، دیگران گمان می‌کنند به دلیل مضمون ستایش‌آمیزشان بوده و اگر هم به آن انتقال کنم، سرایند شعر نرچیده می‌شود. تواسع ایشان شعر قدری بود که شاعران را از خوانش اشعار اینچنینی بر حذر می‌داشتند. جلسات بسیار دلگرم‌کننده بودند و طی این سال‌ها شاعران بسیاری علم تبدیل شود.

ایشان در ارتباط با فارسی به عنوان زبان رسمی کشور و مسئله اشتراک میان کشورهای جغرافیای ایران بزرگ فرهنگی چه دغدغه‌هایی داشتند؟ توجه و نگاهی ویژه به موضوع زبان فارسی و مسائل مرتبط با آن داشتند، اما چرا این نگاه تا این اندازه مهم و قابل توجه است؟ همان‌طور که اشاره شد درباره آیت‌الله خامنه‌ای ما با یک رهبرو عالم دینی در بالاترین سطح تصمیمات حوزوی روبه‌رو هستیم؛ اغلب علما، بنابر تحصیلات دینی و ضرورت‌های مطالعاتی‌شان به زبان عربی گرایش بیشتری دارند. ولی درباره رهبر شهید، وضعیت به گونه‌ای متفاوت بوده است، ایشان در عین تسلط به زبان عربی و آثار تالیفی متعددی که به عربی نوشته‌اند، دغدغه‌ای همیشگی نسبت به ادبیات فارسی و جایگاه آن داشتند. این دغدغه‌مندی و نگاه چندجانبه یکی از شگفتی‌های همیشگی من است. مناطق یاد شده، عمدتاً از راه کتاب‌های دینی نبوده که به اسلام روی آورده‌اند، بلکه متون ادبی تولید شده در زبان فارسی آنان را مشتاق کرده است. آیت‌الله خامنه‌ای تأکید داشتند اگر خواهان تبلیغ دینی و مطرح کردن ارزش‌های انقلابی هستیم، یکی از بهترین راهکارها، تقویت زبان فارسی

### کتاب

شعر خوانی مرحوم حمید سبزوار در حضور حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دهه ۶۰. مرحوم مهرداد ایشان نشسته است

است. این نگاه رهبر شهید، برآمده از تسلطی است که به زبان و ادبیات فارسی داشتند. جالب آنکه هر دو رهبر انقلاب به شعر نگاهی ویژه داشتند؛ هم امام خمینی (ره) و هم آیت‌الله خامنه‌ای، هر دو شاعر بودند و اهل فلسفه. اینکه هر دو رهبر انقلاب اسلامی ایران، ادیب بودند بخت و اقبال بزرگی است که نصیب این کشور و ادیبتنش شده است.

از نگاه شما برای تحقق رهنمودهایی که به برخی از آنها اشاره شد، نیازمند به کارگیری چه راهکارهایی هستیم؟ برای تحقق رهنمودها و توصیه‌های آیت‌الله خامنه‌ای در وهله اول نیازمند عزمی ملی از سوی متولیان امر در همکاری با اهالی ادبیات و نشر هستیم. ایشان بر گسترش و توسعه زبان فارسی در فراسوی مرزهای کشور تأکید داشتند؛ به اعتقاد رهبر شهید، یکی از بهترین ابزارها برای انتقال فرهنگ و ارزش‌های دینی، بهره‌مندی از ظرفیت‌های زبان فارسی است که در قالب شعر و داستان، اثرگذاری قابل توجهی دارد. گسترش ادبیات فارسی در کشورهای دیگر، فقط به ادبیات ختم نمی‌شود؛ معمولاً یادگیری زبان فارسی را نیز به دنبال دارد و حتی سبب علاقه‌مندی مخاطبان خارجی، به دیگر وجوه فرهنگی و حتی دینی‌مان نیز می‌شود و این یکی از رهاوردهای مهمی است که رهبر شهید برآن تأکید داشتند. این در شرایطی است که نگاه متولیان به زبان، آموزشی صرف است و از کارکردهای مهم و ظرفیت‌های آن غفلت می‌کنند. شما به کشورهای که کرسی آموزشی زبان ایران سفر می‌کنند و با طی این مسیر به علاقه‌مندی مخاطبان خارجی، به دیگر وجوه فرهنگی و حتی دینی‌مان نیز می‌شود و این یکی از رهاوردهای مهمی است که رهبر شهید برآن تأکید داشتند. این در شرایطی است که نگاه متولیان به زبان، آموزشی صرف است و از کارکردهای مهم و ظرفیت‌های آن غفلت می‌کنند. شما به کشورهای که کرسی آموزشی زبان ایران سفر می‌کنند و با طی این مسیر به علاقه‌مندی به ادبیات فارسی حتی به سفرای فرهنگی مان در کشورهای خود تبدیل می‌شوند. رهنمودهای رهبر شهید در این خصوص را می‌توان با فراهم کردن زمینه‌های مطالعاتی برای اساتید آموزش زبان فارسی در دانشگاه‌های خارجی، (مشابه کاری که بنیاد سعدی انجام می‌دهد) به مرحله اجرا درآورد. کمک به تقویت کرسی‌های آموزشی زبان فارسی در دانشگاه‌های خارجی با تأمین نیروهای آموزشی، اعزام اساتاد و دراختیار قرار دادن منابع آموزشی متناسب با شرایط روز از دیگر اقدامات مؤثر در این زمینه است. این اقدامات باید فقط برای ایران، بلکه برای تمامی جغرافیای ایران بزرگ فرهنگی مؤثر است. مسئولان و دست‌اندرکاران امر باید دغدغه‌هایی را که آیت‌الله خامنه‌ای بارها درباره‌شان صحبت کرده‌اند جدی بگیرند و نهایتاً به اعزام چند استاد به فلان کشور افریقایی یا اروپایی اکتفا نکنند. کارکردها و ظرفیت‌های گسترش زبان فارسی را باید بیش از اینها جدی گرفت.

اغلب نویسندگان و نویسندگان افغانستانی که با آنان مرزوده دارم، حسرت می‌خورند که ای کاش ما نیز در افغانستان از وجود رهبری ادیب و کتابخوان چون آیت‌الله خامنه‌ای بهره‌مند بودیم. متعجب می‌شدند که رهبر ایران، نه فقط کتاب‌های ایرانی و مطرح خوانده‌اند، بلکه ادبیات مختلف شعر و ادبیات داستانی را نیز می‌شناختند

با شناختی که در نتیجه حضور در جلسات دیدار با آیت‌الله خامنه‌ای و پیگیری سخنرانی‌های‌شان، از ایشان به دست آورده‌اید و جایگاهی که متعقدید در بین فارسی‌زبانان دارند، چه پیشنهادی برای ثبت وجوه ادبی‌شان دارید؟

یکی از بهترین راهکارها می‌تواند جمع‌آوری سخنرانی‌های آیت‌الله خامنه‌ای و انتخاب گزیده‌ای از آنها برای انتشار در قالب کتاب باشد، با در نظر گرفتن جامعه مخاطبان مختلف، انتشار سلسله‌ای از ویژه‌نامه‌های تخصصی که به روابط با مسئولان فرهنگی و دست‌اندرکاران حوزه نشر و ادبیات کارکردهای زیادی دارد. چکیده بخشی از سخنرانی‌ها را می‌توان در فضای مجازی در اختیار جوانان قرار داد. تهیه ویدئوهای کوتاه با محور روایت شاعران از جلسات دیدار با رهبری و انتشار آنها در شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی نیز می‌تواند اقدام اثرگذاری باشد. امکان دسترسی همگانی به سخنرانی‌های دورانی که جلسات ضبط و بخش توزیفونی نداشتند، نیز ضروری به‌نظر می‌رسد. به خصوص جلسات سال‌های ابتدایی ده هفتاد که خودمانی برگزار می‌شدند، آن موقع همه‌مان روی زمین و در سالنی ساده می‌نشستیم؛ جلسات سال‌های اول عالم باقی، در چندان خوب بنشاند و هم ادبیات داستانی ایرانی و خارجی را! این مسأله در ارتباط با برخی کتاب‌ها خیلی عجیب‌تر بود. آیت‌الله خامنه‌ای تمامی آثار تولستوی و داستایفسکی را خوانده بودند! کتاب‌هایی چون آثارشان را خوانده بودند. ایشان مکتب‌های شعری و گرایش‌های مختلف ادبی را به خوبی می‌شناختند. این نوع مواجهه و جامع‌نگاری ایشان درباره شعر کهن و معاصر و همین‌طور ادبیات داستانی ایرانی و خارجی، مسأله‌ای نیست که به راحتی بتوان از آن گذشت و تأثیر مثبت بر وضعیت و نگاه اهالی کتاب داشت.

